

# مرگ ایوان ایلچ

(دوزبانه)

لئو تولستوی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



نشر  
مدراب دانش

سرشناسه	تولستوی، لئو، ۱۸۲۸-۱۹۱۰م.
عنوان و نام پدیدآور	Tolstoy, Leo, graf, 1828-1910
مشخصات نشر	مرگ ایوان ایلیچ (دو زبانه) / مولف لئو تولستوی؛ مترجم فریده سلیمانی مفرد.
مشخصات ظاهری	تهران: محراب دانش، ۱۴۰۱.
شابک	۱۲۶ص؛ ۵/۲۱×۱۴/۵س.م.
وضعیت فهرست نویسی	978-622-5408-51-7
یادداشت	فیبا
یادداشت	زبان: فارسی-انگلیسی.
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The death of Ivan Ilyich" به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	عنوان اصلی: Smert Ivan Ilicha.
یادداشت	این کتاب توسط انتشارات آتیسا در سال ۱۴۰۱ فیبا گرفته است.
موضوع	داستان‌های روسی -- قرن ۱۹م.
شناسه افزوده	Russian fiction -- 19th century
رده بندی کنگره	سلیمانی، فریده، ۱۳۶۸-، مترجم
رده بندی دیویی	PG۳۳۴۹
شماره کتابشناسی ملی	۷۳۳/۸۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	۹۰۸۶۴۴۵
	فیبا

www.ketab.ir



## ■ مرگ ایوان ایلیچ (دو زبانه)

دفتر انتشارات و فروش: خیابان  
فلسطین خیابان لبافی نژاد نرسیده به  
خیابان دانشگاه طبقه اول پلاک ۱۱۵  
تلفن: ۶۶۴۶۵۸۸۱-۶۶۴۹۸۳۰۰

- ◆ مولف: لئو تولستوی
- ◆ مترجم: فریده سلیمانی مفرد
- ◆ نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۱
- ◆ ناشر: محراب دانش
- ◆ شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- ◆ شابک: ۷-۵۱-۵۴۰۸-۶۲۲-۹۷۸
- ◆ چاپ و صحافی: شریف نو- ویرا
- ◆ کلیه حقوق مادی و معنوی محفوظ است.

## فهرست

۴	مقدمه مترجم
۵	فصل اول
۲۳	فصل دوم
۳۹	فصل سوم
۵۳	فصل چهارم
۶۷	فصل پنجم
۷۷	فصل ششم
۸۳	فصل هفتم
۹۱	فصل هشتم
۱۰۵	فصل نهم
۱۱۱	فصل دهم
۱۱۵	فصل یازدهم
۱۲۱	فصل دوازدهم

## مقدمه مترجم

برای اکثر انسان‌ها زندگی اهمیت بیشتری دارد تا مرگ. حتی اگر کسی آینده‌نگر هم باشد باز به فکر رشد زندگی شخصی خود است. پذیرش پایان زندگی برای بسیاری از افراد سخت است. تولستوی در کتاب *مرگ ایوان ایلیچ* سعی دارد با نگاهی واقع‌گرایانه اهمیت مرگ را جلوه دهد. شخصیت این داستان قاضی موفق است که در دوره‌ای در روسیه زندگی می‌کرد که مردم سرگرم خوشی و لذت بودند و کسی به مرگ اهمیتی نمی‌داد و در واقع مرگ را برای همسایه می‌دانستند. حالا او ناگهان درگیر یک بیماری صعب‌العلاج شده است. ابتدا مرگش را نمی‌پذیرد، به زندگی گذشته و لذت‌های دوران کودکی‌اش برمی‌گردد، مرگ را مانند حفره‌ای تاریک می‌بیند و در این میان دچار خشم و افسردگی می‌شود. ولی رفته‌رفته با این واقعیت کنار می‌آید، اشتباهاتش را قبول می‌کند و به خودشناسی می‌رسد. در نهایت در انتهای آن حفره تاریک، روشنایی را می‌بیند.

تولستوی در این کتاب سعی دارد نشان دهد ایوان ایلیچ تک‌تک ما انسان‌ها هستیم. سرنوشت زندگی او سرنوشت کل بشر است که همه زندگی‌اش شباهتی را پیش می‌گیریم، اما وقتی به مرگ نزدیک می‌شویم از خود می‌پرسیم: «آیا درست زندگی کرده‌ام؟» در این کتاب با احساسات یک بیمار در لحظه مرگ آشنا می‌شویم و آن را با گوشت و پوست و استخوان لمس می‌کنیم. نکته جالب توجه این است که داستان با مرگ ایوان ایلیچ آغاز می‌شود و با زندگی او پایان می‌یابد. در آخر به این نگرش می‌رسیم که انسان مسیر اشتباهی در زندگی پیش گرفته است و باید به فطرت خویش بازگردد.

فریده سلیمانی مفرد

پاییز ۱۴۰۱